

# پیدایش و تحول مطبوعات در ایران

از آغاز تا پایان انقلاب مشروطیت

راضیه یوسفی نیا

هنگامی که در اروپا مطبوعات دو مرحله استبدادی و مسلکی را پشت سر گذارده و وارد مرحله سوم، یعنی مرحله تجاری و خبری شده بود، مطبوعات در ایران زاده شد. تولد مطبوعات در ایران در چارچوب رابطه دنیای مدرن و کشور نیمه مستعمره ایران و تاثیر گذاری دنیای مدرن بر حکام و اولیای امور ایران قابل تبیین است.

حکومت ایران در دوره فتحعلی شاه قاجار از قوای روسیه شکست سختی خورده بود و با پذیرش دو قرارداد تحمیلی ترکمنچای و گلستان، بخش قابل توجهی از سرزمین های شمالی و غربی ایران به روس ها واگذار شد. رشادت و پایمردی های برخی از سرداران ایران نظیر عباس میرزا نتوانست آب رفته را به جوی باز آورد. عباس میرزا ولیعهد همواره در باب شکست و ناکامی ایران می اندیشید. ولی علل این شکست را عدم برخورداری از دانش، فنون، سلاح و به طور کلی مظاهر زندگی مدرن دید. در این راستا شماری از سربازان را برای آموختن علوم و فنون راهی اروپا (انگلیس) کرد. یکی از این افراد به هنگام اقامت در انگلیس به امور چاپ و مطبوعات علاقمند شد و پس از بازگشت اولین نشریه غیرروزانه را در ایران در زمان محمد شاه بنیان گذاشت. وی میرزا صالح، پسر حاجی باقر خان کازورنی شیرازی بود که بعدها به میرزا صالح شیرازی معروف گشت. این اولین گام در پیدایش مطبوعات در ایران بود که ما در سه دوره و مقطع تاریخی به تحولات آن اشاره می کنیم:

## الف- مطبوعات ایرات از آغاز تا مشروطیت

در این زمان که میرزا صالح نخستین روزنامه ایرانی را منتشر می کرد محمد شاه قاجار حکومت استبدادی داشت، و لذا این روزنامه در چارچوب شرایط استبدادی قادر به ادامه حیات نبود. نام

محروسه تربیت شوند و از آنجا که اعظم تربیت آگاه ساختن از کار جهان است، لهذا به حسب حکم شاهنشاهی کاغذ اخباری مشتمل بر اخبار شرقیه و غربیه در دارالطباعة ثبت و به اطراف و اکناف فرستاده خواهد شد. اما اخبار شرقیه عبارتست از: عربستان، آناتولی و ارمن زمین و ایران و خوارزم و توران و سیبر و مغولستان و تبت و چین و ماچین و هندوستان و سند و کابل و قندهار و گیج و مکران و اخبار غربیه عبارتست از: اخبار یروپ یا فرنگستان و افریقا و آمریکا یا ینگی دنیا و جزایر متعلقه به آنها مختصرا هر آنچه طرفه بوده و تازگی داشته و استماع آنها مورث آگاهی و دانش و عبرت اهالی این مملکت خواهد بود ماهی یک مرتبه در دارالطباعة ثبت و به همه ممالک انتشار خواهد شد...

با این که اولین روزنامه ایران عنوان خاصی نداشت که بالای روزنامه درج شود، از اعلامیه مذکور روشن است که به نام «کاغذ اخبار» معروف بوده است. (مولانا، ۱۳۵۸، ص ۵۲) آنچه از کاغذ اخبار در دسترس ماست عبارت است از:

۱- «اعلام نامه» مورخ دهه آخر رمضان ۱۲۵۲ ق.

روزنامه میرزا صالح، کاغذ اخبار بود که ترجمه تحت اللفظی واژه Newspaper انگلیسی بود. کاغذ اخبار دوره انتشار محدودی داشت و چنان که خواهیم دید دیری نپایید. نسخه های به دست آمده کاغذ اخبار بسیار معدودند و بسیار دیر از وجود آنها آگاهی حاصل شد، تنها یک نسخه از نخستین شماره در کتابخانه بریتانیا به دست آمده است. (اقبال آشتیانی، ۱۳۲۳، ص ۴۹)

به هر صورت میرزا صالح شیرازی پس از مراجعت از لندن به تشویق و توسعه صنعت چاپ پرداخت و به کمک او شخصی به نام اسدالله باسمه چی روانه روسیه شد و فن چاپ را یاد گرفت و در مراجعت چاپخانه یی در تبریز تاسیس نمود. پس از فوت فتحعلیشاه و آغاز سلطنت محمدشاه، میرزا صالح همچنان در تهران به امور اداری و

دولتی مشغول بود و با صلاح حدید محمدشاه و موافقت دولت تصمیم به انتشار روزنامه گرفت. طلیعه و اعلامیه انتشار این روزنامه در یک صفحه به تاریخ رمضان ۱۲۵۳ ق. در تهران منتشر شد و نسخه آن به تمام استان های ایران و برای مقامات دولتی و رسمی ارسال شد. در آغاز این اعلامیه دلیل و منظور انتشار روزنامه «کاغذ اخبار» و حدود مندرجات آن به شرح ذیل ذکر شده است:

«اعلام نامه ایست که به جهت استحضار ساکنین ممالک محروسه ایران قلمی و تذکر می نماید. بر رای صواب نمای ساکنین ممالک محروسه مخفی نماند که همت ملوکانه دولت علیه مصروف بر این گشته است که ساکنین ممالک

## فانون

الفان . عدالت . ترقی .

نمبر اول  
اول رجب ۱۳۰۷  
شماره نهم ۳۸ در نهم .  
پست لوله انگلیسی

بسم الله الرحمن الرحیم  
بیم بدان باسکت العظیم . بعد التکالیف ملی دولت  
الکریم . بشر مصلحت القانی . قانونی .

الموعود . و سوره یوسفی باسکت غیر الموعودین .  
فازدند و باقیم الی مراد الزمان السعیم . و اثر  
عاشق باسکت العظیم . لسانک لی مناج العقل  
و القلم . و سوره یوسفی باسکت العظیم .

جمع کثیر از اشخاص ایرانی به چندی سبب عجز  
از وطن ممالک بیرون کشیده در ممالکنا خارجه  
معلق شده اند . فر میان این مهاجرین معرفه  
لی اشخاصی باسکت که ترک خارجه را با بیخ  
از عشق باسکت ساهای فر این فکر برده که آیا  
چند تدبیر می توان باسکت بیخروگی که در ایران گردان  
مانده اند چیزی اندامی برساند . پس از تفحص و  
تفکرات برای تهیه معلق شده که جهت اجابت  
و ترقی خلق ایران بهر از یکت روزنامه اراک هیچ  
اسباب نمی توان تصور کرد .

ان چند نفر اشخاص و نویسندگان که معنی و  
قدرت روزنامه اجابت را در دست نهاده اند فر این  
چهار پنج سال بیست و نه مردانه اندام باسکت دنیا  
و هر وسیله چه باسکت چه باسکت و چه باسکت  
از دولت باسکت ایرانی و باسکت کرم و باسکت ترقی  
امان باسکت جمع نمودند و بهیچالی این روزنامه  
یکت کتابی معبره اراک باسکت باسکت ترقی و باسکت

که از اهل ایران بقدری که بتواند روزنامه اجابت  
و کتابها را منتشر بداند که از این جهت  
یکی همین جریده فانی است .  
ایران معنوی است از نعمات خداوند .  
چیزی که همه این نعمات را باسکت کاشانه نبین  
فانی است .  
هیچکس در ایران مالک هیچ چیز نیست زیرا که  
فانی است .  
حاکم تعیین می کند فانی . سرایب معنوی  
می کند فانی . حقوق دولت را می فروشد  
فانی . بدانی خدا را جیب می کند فانی  
فانی . خزانه می بخشیم فانی . شکم پاره  
می کند فانی .  
در هند فر پاریس فر تلیس فر مصر فر  
لشبیل حتی فر میان ترکس هرکس معاند که  
حقوق و وظایب او چیست .  
ایران احدی نیست که بداند تفسیر چیست  
و خدمت کدام .  
فانی معبود را چه فانی اخراج کردند .  
مواجب فانی سرایب را چه فانی قطع نمودند .  
فانی وزیر بکدام فانی معصوم شد .  
فانی مدینه چه فانی خدمت پیشید .  
هیچ امیر و هیچ شاعرانه نیست که از شرط  
زندگی خود بفرمان سفرای خارجه اطاعتی  
داشته باشد .

نمبر اول  
شماره نهم

۹  
شماره نهم



از دشمنان که به کارهای حساب شده امیرکبیر حسادت می‌ورزیدند و موافق کارهای اصلاحی وی نبودند، بسیج شده و سبب شدند که شاه امیرکبیر را عزل و به کاشان تبعید نموده و در حمام فین به قتل برسانند. کشته شدن امیرکبیر ضایعه بزرگی برای ایران بود و پیشرفت اجتماعی و سیاسی ایران را سال‌ها به عقب انداخت.

از نظر جامعه‌شناسی، تاثیر فن چاپ و نشر کتاب و روزنامه نگاری در ایران از اوایل سال ۱۲۷۷ ق. (۱۲۳۹ ش/ ۱۸۶۰ م) ظاهر شد و به طور مرتب ادامه یافت. وسایل چاپی از کتاب گرفته تا روزنامه، در حقیقت نیروی اجتماعی جدیدی - که به تدریج احساس می‌شد - به وجود آورده بود. مطبوعات، همراه با پیدایش مدارس و رسوخ افکار اروپایی، بازار مناسبی برای خواندن و نوشتن در کشور ایجاد کرده بود و نخستین رشته‌های ارتباط فرهنگی را بین روشنفکران و تحصیل کرده‌ها و ماموران دولتی پدید می‌آورد. رسالات و کتاب‌های متعددی

که در بیست ساله اول سلطنت ناصرالدین شاه در تهران و شهرستان‌ها منتشر شد و ترویج و تبلیغ روش‌های جدید فکری و مذهبی، پایه ارتباطی و اجتماعی این تحول به شمار می‌رود. (مولانا، ۱۳۵۸، ص ۷۹)

با آنکه طبق دستور ناصرالدین شاه ماموران دولتی و ادارات به اشتراک روزنامه‌های دولتی مجبور بودند، تیراژ آنها خیلی محدود بود و در واقع فقط بین روسای ادارات و کتابخانه‌ها و عده‌یی از تحصیلکرده‌ها پخش می‌شد. باید دانست که روزنامه در بین روحانیون و طبقات تجار و پیشه‌ور وسیله فرنگی محسوب می‌شد و این برداشت، عاملی در منع پخش و افزایش تیراژ روزنامه در ایران به شمار می‌رفت. تیراژ روزنامه از ۱۱۱۵ نسخه تجاوز نمی‌کرد. مستوفی الممالک خزانه‌دار کشور عده مشترکان هر یک از روزنامه‌های دولتی را طی اعلانی اعلام نمود. بیشترین مشترکان ۲۷۰ مشترک بود که مربوط به تهران بود. آذربایجان در درجه دوم بود و ۱۶۶ مشترک داشت. با توجه به این که در این سال سه روزنامه ماهانه منتشر می‌شد، می‌توان گفت مجموع تیراژ آنها به ۲۵۰۰ نسخه نمی‌رسید.

یکی از مشکلات عمده این دوره مربوط به توزیع نشریات بود. بدی راه‌های ارتباطی تهران با سایر شهرستان‌ها سبب می‌شد تا روزنامه یا کتاب ماه‌ها در راه باشد. اما با اتصال تلگراف بین شهرها دوره جدیدی از تاریخ ارتباطات آغاز گردید. توسعه خطوط تلگرافی سبب شد اخبار خارجه در روزنامه‌های ایران رونق بیشتری پیدا کند.

نوع دیگری از روزنامه‌ها در عهد ناصری به چشم می‌خورد که شامل سفرنامه‌های شاه است. مثلا در یکی از سفرهای داخلی، شاه پزشک مخصوص خود را مجبور کرد تا مطالب سفر را جهت تبلیغ و انتشار فعالیت‌های شخصی وی منتشر کند. انتشار این گونه روزنامه‌های کوچک و فصلی

بعدها در دربار ناصرالدین شاه مرسوم شده و هر موقع که شخص شاه تصمیم به مسافرت به ایالات مختلف می‌گرفت، چنین روزنامه‌یی منتشر می‌شد و امور روابط عمومی آن زمان را برای شاه و درباریان آسان می‌نمود. از جمله این روزنامه‌ها می‌توان به «مرآت السفر و مشکوه‌الحضر» اشاره نمود. (مولانا، ۱۳۵۸، ص ۸۵)

بی‌اعتنایی ناصرالدین شاه به اصلاحات اساسی و وضع راکد کشور، روشنفکران و آزادیخواهان ایران را ناراحت کرده بود. در اواخر سلطنت این پادشاه، عده قابل توجهی از نویسندگان و آزادیخواهان ایران به کشورهای اروپا و نیز به هندوستان و مصر و عثمانی مهاجرت کردند.

زندگی تبعیدی داوطلبانه این عده، در سال‌های بعد هسته اصلی روزنامه نگاری تبعیدی ایران را در اروپا و آسیا به وجود آورد و فصل جدیدی در مطبوعات قبل از مشروطه ایران گشود. در بین روزنامه‌های فارسی که در خارج و داخل کشور چاپ می‌شدند، روزنامه‌های «شاهسون» به مدیریت میرزا عبدالرحمن طالب‌اف چاپ استانبول، «حکمت» به مدیریت میرزا مهدی تبریزی چاپ قاهره «جبل‌المتین» به مدیریت سید جلال‌الدین کاشانی چاپ کلکته و «ثریا» به مدیریت میرزا علی محمد خان و سید فرج‌الله کاشانی چاپ قاهره (که بعدها به روزنامه «پرورش» تغییر نام یافت) نقش مهمی داشتند.

مطبوعات خارج از کشور در این دوره چندین خصوصیت عمومی داشتند:

اول این که مندرجات آنها بیشتر جنبه اجتماعی و سیاسی و تفسیری داشت و کمتر به اخبار داخلی و دولتی می‌پرداختند. دوم این که نویسندگان و ناشران همه آزادیخواه و مشروطه طلب و خواستار الغای حکومت استبدادی در ایران بودند. در مرحله سوم، هم جراید این دوره و هم نویسندگان آنها بی‌نهایت تحت تاثیر سیستم اجتماعی و سیاسی اروپا قرار داشتند و نمونه اداری و مملکتی و حکومتی کشورهای اروپایی مخصوصا انگلستان و بلژیک و فرانسه و سوئیس را برای ایران تشویق می‌کردند. مهم‌تر از همه، مطبوعات این دوره با مطالب خود توانستند بین روحانیون ایران و روشنفکران ایرانی در اروپا و تحصیل کرده‌های



### روزنامه مرآت السفر

چاکر دولت و سیاسی و نماینده نماینده دولت در تهران و سایر بلاد و در وقت مسافرت در دست مری ۱۰۰ عدد از مسیحیان چاپ و در وقت مسافرت در دست مری ۱۰۰ عدد از مسیحیان چاپ و در وقت مسافرت در دست مری ۱۰۰ عدد از مسیحیان چاپ... (The text continues with details about the publication and its distribution, mentioning various locations and the role of the publisher.)

۱۱

را از هم تفکیک کرد. زیرا بین روزنامه‌نگار و شاعر و نویسنده و واعظ و سیاستمدار فرق فاحشی در این چهار سال وجود ندارد.»

پس از انقلاب مشروطه اولین فرمان آزادی بیان توسط مظفرالدین شاه اعلام شد. از این رو اولین روزنامه ملی و آزاد در شهر تبریز توسط میرزا علی اکبر فرزند سید هاشم چرندابی به نام «ملی» منتشر شد. این روزنامه همان است که یک سال بعد به «انجمن» تبدیل شد، در همین ایام آقا میرزا محسن، داماد آیه الله بهبهانی در تهران، برای انتشار گزارشات مجلس شورای ملی تقاضای امتیاز روزنامه کرده بود. در امتیازی که دولت به نام میرزا محسن صادر نمود، صراحتاً قید نموده بود که ناشر روزنامه می‌تواند بدون سانسور و به طور آزاد از هر نویسنده و خبرنگاری که می‌خواهد، در انتشار این روزنامه کمک بگیرد. در ۱۳۲۴ ق. سید محمد صادق طباطبایی، روزنامه آقا میرزا محسن را به نام «مجلس» روزانه در تهران چاپ کرد.

روزنامه مجلس به چند جهت در تحولات مطبوعاتی این دوره نقش داشت. اول این که انتشار آن باعث شد چند تن از نویسندگان و آزادیخواهان قبل از مشروطه دور هم جمع شوند و روزنامه را مرکز و محل وحدت عمل و همفکری قرار دهند. برای مثال در پنج سال انتشار این روزنامه مدیریت آن را سید محمد صادق طباطبایی فرزند رهبر روحانی انقلاب مشروطه (سید محمد طباطبایی) و سر دبیری و نویسندگی مقالات آن را، نخست، ادیب الممالک فراهانی ناشر روزنامه «ادب» و «ارشاد» و بعد، شیخ یحیی کاشانی نویسنده متبحر «جبل‌المتین» عهده‌دار بودند.

دوم این که، با تاسیس اولین دوره مجلس شورای ملی، افکار عمومی در تهران و شهرستان‌ها

متوجه مذاکرات و مباحثات مجلس شد و روزنامه «مجلس» وسیله ارتباط بین نمایندگان و موکلان آنها بود. نمایندگان نیز کم کم به اهمیت این جریده واقف شدند و از طریق تربیون مجلس شورای ملی به نفع خود و موکلان خود جهت تبلیغ استفاده می‌کردند. مطابق مقررات اول مشروطه، مذاکرات مجلس به صورت علنی اعلام شد و انعکاس آنچه در مجلس می‌گذشت برای همه آزاد بود، از این رو تیراژ روزنامه مجلس به علت علاقه مردم بسیار بالا رفت تا به ده هزار رسید.

پس از امضای قانون اساسی توسط مظفرالدین شاه و تصویب آن توسط مجلس و فوت مظفرالدین، پسر او محمدعلی شاه در تاریخ ۱۳۲۵ به سلطنت رسید. محمدعلی شاه علاقه‌ای به مشروطیت و مطبوعات نداشت و چندین بار سعی کرد آن را از بین ببرد. از نشانه‌های دشمنی او با مجلس و مطبوعات همین بس که در تاجگذاری خود اعضای هیچ کدام را دعوت نکرد.

در نتیجه حمایت‌های قانونی که توسط مجلس در رابطه با مطبوعات صورت پذیرفت، مطبوعات در سال‌های اول مشروطه به سرعت توسعه یافت. به طوری که در سال ۱۳۲۵ ق.، یک سال پس از اعلام مشروطه، در حدود ۹۰ نشریه در تهران و شهرستان‌ها منتشر می‌شد که در بین آنها چندین روزنامه وجود داشت. از دیگر نشریات روزانه این دوره به جز انجمن و مجلس، می‌توان از «ندای وطن» و «کشکول» و «محاکمات» یاد کرد. یکی از نتایج برقراری مشروطه، بازگشت نویسندگان و روزنامه‌نگاران مهاجر بود. از روزنامه‌های تبعیدی که این زمان در تهران به انتشار خود ادامه داد «جبل‌المتین» چاپ هند بود. در بین روزنامه‌های انقلابی و آزادیخواه

هفتگی این دوره، «صور اسرافیل» از جایگاه مخصوصی برخوردار است. سه مجاهد آزاده میرزا قاسم خان تبریزی، میرزا جهانگیر خان شیرازی و میرزا علی اکبر خان قزوینی (دهخدا) این روزنامه را در تهران منتشر می‌کردند. مطبوعات این دوره علاوه بر جنبه سیاسی از جنبه ادبی نیز حائز اهمیت بود. بعدها در سال ۱۳۲۶ ق. محمد علی شاه دست به کودتا زد و مجلس را بمباران کرد. دستگیری و کشته شدن سلطان‌العلمای خراسانی که صاحب مقالات تند و آتشین در نشریه هفتگی «روح القدس» بود، یکی از پر سر و صداترین وقایع دوره دوم انقلاب مشروطه بود.

به نظر می‌رسید پذیرش نظام پارلمانی و مشورتی برای شاهان قاجار که بیش از یک قرن با استبداد و سلطنت فردی حکومت نموده بودند، غیرممکن بود و نمی‌توانستند به آن عادت کنند. از آغاز سلطنت محمد علی شاه انتظار می‌رفت که اصطکاک مطبوعات و دربار روز به روز بیشتر گردد. هنگامی که محمد علی شاه محرمانه قرارداد وام چهار صد هزار لیره‌ای را با انگلیس‌ها و روس‌ها امضا کرد، مطبوعات آگاهی پیدا کردند و با کمک نمایندگان مجلس شورای ملی عمل شاه را به سختی مورد انتقاد قرار دادند.

محمد علی شاه که از وضعیت حاضر ناراضی بود، اتابک را که در تبعید به سر می‌برد بازگرداند تا سر رشته امور را به دست گیرد. این دو، جنبه جدیدی علیه مجلس و مطبوعات تشکیل دادند. در این زمان با نخست وزیر اتابک، روابط شاه و ملیون بدتر شد. از طرفی دخالت روس‌ها که با مشروطه ایران مخالف بودند، بیشتر شد. اما این مخالفت‌ها زیاد به طول نیانجامید، چرا که اتابک توسط یکی از انقلابیون ترور شد. (مولانا، ۱۳۵۸، ص ۱۳۴-۱۳۵)

#### پاورقی:

- 1- Horatia sauthate.
- 2- Rabi Shamucl Badel D-Khngald.

#### منابع:

- ۱- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۲۳). نخستین روزنامه فارسی در ایران. یادگار، ۱.
- ۲- رضوانی، محمداسماعیل (۱۳۶۹). هفتاد مقاله. گردآوری یحیی مهدوی، ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- ۳- صالحیار، غلامحسین (۱۳۵۵). چشم انداز جهانی و ویژگی‌های ایرانی مطبوعات. تهران: وزارت اطلاعات و جهانگردی.
- ۴- صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۳). تاریخ جراید و مجلات ایران. اصفهان: کمال.
- ۵- محسنیان راد، مهدی (۱۳۶۵). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی مطبوعات. تهران: انتشارات خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران.
- ۶- مددیور، محمد (۱۳۷۲). تجدد و دین زدایی در فرهنگ و هنر متورالفکری از آغاز بیداری تا پایان عصر قاجار. تهران: سالکان.
- ۷- مولانا، حمید (۱۳۵۸). سیر ارتباطات اجتماعی در ایران. تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.